

کتاب یوئیل و کلیسای لائوڈیکیہ ادونتیسٹ های روز ہفتم

- شماره بیست و شش

Jeff Pippenger

2026-01-12

شماره بیست و شش

چهار نسل یوئیل، ویرانی تدریجی تاکستان خدا را از سال ۱۸۶۳ تا زمان قانون یکشنبه به تصویر می کشند. عدد چهار همچنین نماد چهار صفت از شخصیت مسیح است. کروبیان درون مقدس چهار تجلی چهره گون دارند، و آن تجلیات با تقسیم چهارگانه اسرائیل باستان، آنگاه که گرداگرد مقدس اردو می زدند، مطابقت دارند. همچنین نمایانگر چهار انجیل هستند.

मुख का सहि ओर दाहिनी ओर, था मुख का मनुष्य एक का चारो उन कथी यह समानता की मुखो उनके और
1:10। यहजेकल था। भी मुख का उकाब का चारो उन; था मुख का बैल ओर बाई की चारो उन और

اور پہلا حیوان شیر کے مانند تھا، اور دوسرا حیوان بچھڑے کے مانند، اور تیسرے حیوان کا چہرہ انسان کا سا تھا، اور چوتھا حیوان اڑتے ہوئے عقاب کے مانند تھا۔ مکاشفہ 4:7۔

کتاب مقدس (گنتی ۲) بارہ قبائل کو—سوائے لاوی کے، جو خیمہ اجتماع کے عین گرد خیمہ زن تھے—چار لشکروں میں منظم بیان کرتی ہے، ہر ایک میں تین تین قبیلے، جو مقدس کے گرد چاروں اصلی سمتوں میں اپنے اپنے جھنڈے، یعنی علم یا نشان، کے تحت مقرر تھے۔ یہ ترتیب ایک رمزی مماثلت پیدا کرتی تھی، جس میں زمینی لشکر آسمانی تخت کی اُس صورت کی عکاسی کرتا ہے جس کی نگہبانی کروبی کرتے ہیں۔

یہوداہ مشرق کی طرف، مقدس کے دروازے پر طلوع ہوتے ہوئے سورج کی سمت، خیمہ زن تھا۔ یہوداہ کا علم شیر تھا، کیونکہ وہ یہوداہ کے قبیلے کے شیر کی نمائندگی کرتا ہے۔ یہوداہ کے ساتھ دو قبیلے اساکار اور زبولون تھے۔ یوحنا کے رویا میں پہلا حیوان شیر کی مانند تھا، جیسے حرقی ایل کے کروبیوں کے چہروں میں ایک چہرہ شیر کا تھا۔ روبین، یعنی انسان کی علامت، جنوب کی طرف شمعون اور جاد کے ساتھ تھا۔ مغرب کی طرف افرائیم تھا، اور اس کے ساتھ بنیمین اور منسی، جن کی نمائندگی بیل سے کی گئی تھی۔ شمال کی طرف دان تھا، اور اس کے ساتھ آشور اور نفتالی، جن کی نمائندگی عقاب سے کی گئی تھی۔ آسمانی مقدس کے چار چہروں کے ساتھ قبیلوں کی نسبت چاروں اناجیل میں ظاہر کی گئی ہے۔

متی شیر سبط یہوداہ ہے، مرقس قربانی کا بیل ہے، لوقا انسان ہے اور یوحنا بلند پرواز عقاب۔ مسیح، سبط یہوداہ کے شیر کی حیثیت سے، اپنے آپ کو اُس ہستی کے طور پر ظاہر کرتا ہے جو اپنے نبوی کلام پر مہر بھی لگاتا ہے اور اُس کی مہر بھی کھولتا ہے۔ متی کی کتاب میں مسیحائی نبوتوں کی تکمیل کے متعلق براہ راست حوالہ جات (12) دیگر تینوں اناجیل کے مجموعے سے بھی زیادہ ہیں۔ اس میں معمولی سا بھی مقابلہ نہیں۔

کتاب متی خدا کے نبوی کلام کی نمائندگی کرتی ہے۔ لوقا، جو ایک طبیب تھا، اپنی انجیل کو مسیح کے ابن آدم ہونے کے نقطہ نظر سے پیش کرتا ہے، کیونکہ لوقا انسان کا چہرہ ہے۔ مرقس اپنی انجیل مسیح کو اُس قربانی کے نذرانہ کے نقطہ نظر سے پیش کرتا ہے جس کی نمائندگی مسیح نے کی، کیونکہ مرقس بیل ہے۔ یوحنا وہ بلند پرواز عقاب ہے، جس نے انجیل مسیح کی اپنی پیشکش میں خدا کی گہری باتوں کو پیش کیا۔

درکِ کتابِ مَتّی آن گونه که در کلامِ نبوّتی باز نموده شده است، امری مهم است. کتابِ مَتّی شیرِ سبطِ یهوداست، سرورِ کلامِ نبوّتی او، شمارندهٔ شگفتِ اسرار، زبان دانِ شگفت، همان که کلامِ خود را مهر می نهد و از مهر می گشاید. عیسی الف و یاء است، و او کلمه است. نخستین کتابِ عهدِ جدید و آخرین کتابِ عهدِ جدید، کتابِ هایی نبوّتی اند. بیشترِ مردم این حقیقت را دربارهٔ کتابِ مکاشفه می دانند، اما ممکن است دریافته باشند که مَتّی الفِ عهدِ جدید است؛ پس باید با یاءِ عهدِ جدید هم سو باشد. باید نمایانگرِ پایان باشد، که همان کتابِ مکاشفه است.

لہذا، جب ہم متی میں پیدائش کی عہد کی تاریخ کی سلسلہ وار parallel line کو، جیسا کہ ابواب گیارہ سے بائیس تک پیش کی گئی ہے، پاتے ہیں، تو یہ اس حقیقت سے کم نہیں کہ متی کے قبیلے کے شیر اس سچائی کو کھول رہا ہے۔ عہد کی تاریخ کے وہ بارہ ابواب، جن کی نمائندگی پیدائش، متی اور مکاشفہ میں کی گئی ہے، اب کھولے جا رہے ہیں، اور ہم یہ شناخت کر رہے ہیں کہ متی کا باب تئیس تانکستان کی تمثیل میں داناؤں اور نادانوں کی جدائی کی نمائندگی کرتا ہے۔ سابقہ عہدی قوم پر آٹھ افسوس، جن کا نبوی ہم منصب ان آٹھ جانوں میں پایا جاتا ہے جو ایک لاکھ چوالیس ہزار کی نمائندگی کرتی ہیں، اور جو سلامتی کے کشتی پر سوار ہوتی ہیں۔ 23 اُس کام کی نمائندگی ہے جو آسمانی مقدس میں اُس وقت شروع ہوا جب 2300 دن 22 اکتوبر 1844 کو اپنے اختتام کو پہنچے، اور قریب الوقوع اتوار کے قانون کے وقت پھر ایسا ہی ہوگا۔ باب 23 اسی سچائی کو نشان زد کر رہا ہے۔

فصل بیست و چہارم در زمانی رخ می دهد که مسیح به تازگی گفت و گوی خود را با اسرائیل مرتد به پایان رسانده و برای آخرین بار از معبد یهود بیرون رفته است. عدد 24 نماد انتقال اسرائیل کهن به اسرائیل جدید است؛ همان نقطه دقیق در تاریخ نبوت که مسیح در آن ایستاده بود، آنگاه که پیام خود را در متی بیست و چہار عرضہ کرد. پیام نبوی متی 24 نمونه ای الهی از روش شناسی «خط بر خط» است کہ به طور خاص تاریخ میلری ها، و بنا براین تاریخ صد و چہل و چہار ہزار را مورد خطاب قرار می دهد. عدد 24 به وسیلہ کلیسای مکاشفہ دوازده نمود می یابد، کلیسایی کہ بر ماہ ایستاده است؛ ماہی کہ نور آفتاب عدالت را باز می تاباند. بر سر او دوازده ستارہ است کہ نمایانگر 24 ہستند، زیرا او تاریخ منتهی به تولد مسیح را مجسم می سازد؛ زمانی کہ دوازده سبط اسرائیل کهن به دوازده شاگرد اسرائیل جدید تبدیل می شدند. در فصل بیست و چہار، تاریخ میلری از 1798 تا نومیدی عظیم بازنمایی شدہ است. سپس متی 25 فرا می رسد.

شمارهٔ ۲۵ نمادی از لاویان است، خواه نیک و خواه بد؛ اما به همان اندازه، نمایانگر جداسازی لاویان حکیم از لاویان شریر نیز هست. متی ۲۵ بر پایهٔ سه شاهد، یا سه مَثَل، فرایند جداسازی ای را معین می سازد کہ با شمارهٔ بیست و پنج به تصویر کشیدہ شدہ است. البتہ مَثَل دہ باکرہ، تاریخ میلری ها و نیز تاریخ صد و چہل و چہار ہزار را نمایندگی می کند. آن تاریخ، تاریخ فرشتہ اول است؛ مَثَل قنطارها، فرشتہ دوم است؛ و مَثَل گوسفندان و بزها، داوری فرشتہ سوم است.

فصل های بیست و شش تا بیست و ہشت، تاریخ فصَح را تا فرمان بشارتی پس از مصلوب شدن مشخص می کنند.

اور ایسا ہوا کہ جب یسوع یہ سب باتیں مکمل کر چکا تو اُس نے اپنے شاگردوں سے کہا، تم جانتے ہو کہ دو دن کے بعد عیدِ فسخ ہے، اور ابنِ آدم مصلوب کیے جانے کے لیے حوالہ کر دیا جاتا ہے۔ متی 26:1،

2

خلاصہٗ نشانہ های گوناگون در فصل ۲۶ چنین است: در آیات ۳ تا ۵، توطئه ای برای کشتن عیسی طرح می شود. سپس در آیات ۶ تا ۱۳، عیسی در بیت عنیا مسح می گردد. در آیات ۱۴ تا ۱۶، یهودا مسیح را به سی پارهٔ نقرہ تسلیم می کند. سپس در آیات ۱۷ تا ۲۵، عید فصَح با شاگردان او فرامی رسد. در آیات ۲۶ تا ۲۹، عیسی عشای ربانی را برقرار می سازد، و در آیهٔ ۳۰، عیسی انکار پطرس را پیشگویی می کند. در

آیات ۳۶ تا ۴۶، عیسی در جَنَسیمانی است. در آیات ۴۷ تا ۵۶، عیسی دستگیر می‌شود، سپس در آیات ۵۷ تا ۶۸، عیسی در حضور قیافا و سنهدرین قرار می‌گیرد. از آیه ۶۹ به بعد، انکار مسیح از سوی پطرس بیان می‌شود. این فصل مشتمل بر ده نشانه مشخص است که باید در ایام آخر تکرار شوند.

باب بیست و هفتم نیز ده نشانه متمایز دارد. عیسی به پیلطس سپرده می‌شود، سپس یهودا خود را حلق‌آویز می‌کند، سپس عیسی را به حضور پیلطس می‌برند، سپس باراباس برگزیده می‌شود، پیلطس عیسی را برای مصلوب شدن تسلیم می‌کند، سپس عیسی را استهزا می‌کنند، سپس مصلوب شدن، سپس مرگ عیسی، سپس عیسی دفن می‌شود و آنگاه نگهبان قبر شهادت می‌دهد.

باب بیست و هشتم تنها سه نشانه راه دارد: نخست، رستاخیز؛ سپس دروغ سنهدرین؛ و آنگاه مأموریت عظیم. سه فصل با بیست و سه نشانه راه متمایز صلیب که در تاریخ یکصد و چهل و چهار هزار نفر تکرار خواهد شد.

متی 26 - ده نشانه راه

1. توطئه رؤسای کاهنان و مشایخ برای کشتن عیسی (آیات ۳-۵)
2. مسح در بیت عنیا به وسیله زن دارای ظرف مرمرین عطر (آیات ۶-۱۳)
3. یهوداه تیس چاندی کے سکوں کے عوض یسوع سے غداری کرنے پر راضی ہو جاتے (آیات 14-16)
4. آماده سازی و خوردن فیصح با شاگردان (آیات 17-25)
5. برقراری عشای ربانی (آیات ۲۶-۲۹)
6. پطرس کے انکار کی پیشین گوئی (آیات 30-35)
7. عذاب در جتنسیمانی (آیات ۳۶-۴۶)
8. خیانت و دستگیری عیسی (آیات ۴۷-۵۶)
9. عیسی کاهن اعظم قیافا اور سنهدرین کے سامنے پیش کیے گئے (آیات 57-68)
10. انکار سه گانه پطرس (آیات 69-75)

متی ۲۷ - ده نشانه راه

1. عیسی به پیلطس سپرده شد (آیات ۱-۲)
2. پیشیمانی و خودکشی یهودا (آیات ۳-۱۰)
3. عیسی پیلطس کے سامنے — باضابطہ رومی مقدمہ (آیات 11-14)
4. انتخاب باراباس بر یسوع (آیات ۱۵-۲۶)
5. پیلطس عیسی را تا مصلوب شود تسلیم می‌کند (شامل آزادی باراباس)
6. تمسخر و تازیانه زدن به وسیله سربازان (آیات ۲۷-۳۱)
7. مصلوب شدن (آیات ۳۲-۴۴)
8. مرگ عیسی (آیات ۴۵-۵۰)
9. نشانه‌های مافوق طبیعی و تدفین به دست یوسف رامه‌ای (آیات ۵۱-۶۱)
10. مأمور شدن نگهبانان بر قبر (آیات ۶۲-۶۶)

متی ۲۸ - سه نشانهٔ راه

1. رستاخیز و قبر خالی (آیات ۱-۱۰)

2. دروغ ستر کاهنانو او مشرانو له خوا سپاهیانو ته (آیتونه 11-15)

3. مأموریت عظیم (آیات ۱۶-۲۰)

چنان‌که تجربهٔ مسیح از تدهین در بیت‌عنیا تا مأموریت عظیم، پایان خدمت زمینی او و آغاز انجیل برای همهٔ امت‌ها را رقم زد، به همین‌سان همین نشانه‌های راه در تجربهٔ باقی‌ماندگان خدا نیز، آنگاه که به پایان مهلت آزمون و پیروزی نهایی خویش نزدیک می‌شوند، تکرار می‌گردد.

باب‌های بیست‌وششم تا بیست‌وهشتم، تاریخ فصیح را بر اساس ۲۳ نشانهٔ متمایز ترسیم می‌کنند که در تاریخ منتهی به قانون یک‌شنبه و نیز در پی آن تکرار می‌شوند.

«آمدن مسیح به‌عنوان کاهن اعظم ما به مکان اقدس، برای تطهیر مقدس، که در دانیال ۸:۱۴ به نمایش گذاشته شده است؛ آمدن پسر انسان نزد قدیم‌الایام، چنان‌که در دانیال ۷:۱۳ عرضه شده است؛ و آمدن خداوند به هیکل خویش، که ملاکی آن را پیشگویی کرده است، همگی توصیف‌های یک رویداد واحد هستند؛ و این همچنین به‌وسیلهٔ آمدن داماد به عروسی، که مسیح آن را در مثل ده باکره در متی ۲۵ بیان کرده است، به تصویر کشیده شده است.» نبرد عظیم، ۴۲۷.

پایان ۲۳۰۰ روز در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ در قانون یکشنبه تکرار می‌شود. بیست‌وسه نشانهٔ راه واقع در سه فصل پایانی متی، آن خون‌گران‌بها را که برای پیوند الوهیت با انسانیت به کار گرفته می‌شود، آشکار می‌سازند.

شفاعت مسیح به‌نفع انسان در قدس اعلی، به همان اندازه برای نقشهٔ نجات ضروری است که مرگ او بر صلیب ضروری بود. او به‌واسطهٔ مرگ خود آن کاری را آغاز کرد که پس از قیامش، برای تکمیل آن به آسمان صعود نمود. ما باید به‌واسطهٔ ایمان، به درون حجاب داخل شویم، «جایی که پیشرو به‌خاطر ما داخل شده است.» عبرانیان ۶:۲۰. در آنجا نور صلیب جلجتا بازتاب می‌یابد. در آنجا می‌توانیم بصیرتی روشن‌تر نسبت به اسرار فدیة به‌دست آوریم. نجات انسان با هزینه‌ای نامتناهی بر آسمان تحقق یافته است؛ قربانی تقدیم‌شده پاسخگوی گسترده‌ترین مطالبات شریعت شکستهٔ خداست. عیسی راه را به‌سوی تخت پدر گشوده است، و از طریق وساطت او، اشتیاق صادقانهٔ همهٔ کسانی که با ایمان نزد او می‌آیند می‌تواند به حضور خدا عرضه شود.» نبرد عظیم، ۴۸۹.

باب ۲۳ متی بر محکومیت کهنات جعلی تأکید می‌کند. باب‌های بیست‌وشش تا بیست‌وهشت، امگای باب ۲۳ هستند. لاویان تقلبی، و شورش فزایندهٔ مشایخ در طی چهار نسل، نشانه‌های راه را در سه باب پایانی پدید آوردند.

باب بیست و چهارم روش «خط بر خط» را به‌عنوان روش مسیح معرفی می‌کند، زیرا او از ویرانی اورشلیم برای توصیف آنچه هست، آنچه بوده است و آنچه خواهد بود، استفاده می‌کند.

سقوط اورشلیم سنة 70م وقع في اليوم نفسه من السنة الذي دُمِّرَتْ فيه اورشلیم أول مرة على يد نبوخذنصر. وکان تدمیر اورشلیم علی يد نبوخذنصر تاريخاً ماضياً، وأما تاريخ المسيح، حين استولى تيطس على اورشلیم، فقد مثل نهاية العالم. إن متی 24 يبرز منهجية «سَطراً علی سطر»، وبذلك يحدّد «المنهجية» بوصفها عنصراً من عناصر الشهادة النبوية.

در باب ۲۴ است که مسیح ضرورت فهم «مکروه ویرانگر» را که دانیال نبی از آن سخن گفته است، آشکار می‌سازد؛ همان فهم بنیادینی که از آن ویلیام میلر بود، و همان نمادی که رؤیا را در دانیال

استوار می‌گرداند. این امر همچنین نمایانگر عصیان آدونتیسم است، زیرا ایشان فهم میلری از «قربانی دائمی» را در کتاب دانیال رد کردند، و بدین‌سان در آن گمراهی شدید مذکور در باب دوم ۲ تسالونیکیان سهیم شدند. این باب به‌طور مستقیم با لوقا ۲۱ پیوند دارد، و از این‌رو ۱۱ اوت ۱۸۴۰ تا ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ را مشخص می‌سازد، که نمونه‌ای از ۱۱ سپتامبر تا قانون یکشنبه است. همچنین با «زمان‌های امت‌ها» در لوقا ۲۱:۲۴ ارتباط می‌یابد، که کلیدی اساسی در گشودن «هفت زمان» موسی است، و در عین حال با اندازه‌گیری هیکل در مکاشفه ۱۱ نیز هم‌راستا می‌گردد.

از باب بیست‌وسه آغاز می‌شود، سپس ۲۴ و ۲۵ می‌آیند، و آنگاه با ابواب ۲۶ تا ۲۷ پایان می‌پذیرد؛ سه بابی که دارای بیست‌وسه waymark هستند که اومگای آلفای باب بیست‌وسه‌اند. باب بیست‌وشش به‌اضافه بیست‌وهفت و بیست‌وهشت مساوی است با «۸۱»، که نمادی از کهانت است. بر گواهی سه شاهد (پیدایش، متی و مکاشفه)، ابواب ۱۱ تا ۲۲ یک خط هستند. ابواب ۲۳ تا ۲۸ خطی از حقیقت‌اند که با ۲۳ آغاز می‌شود و با ۲۳ پایان می‌یابد.

فصل‌های یک تا ده، نخستین سه خط نبوی در کتاب متی هستند: ده فصل، سپس دوازده فصل، و پس از آن شش فصل. الهام به ما اعلام می‌دارد که همه کتاب‌های کتاب مقدس در مکاشفه به هم می‌رسند و در آن پایان می‌یابند، و از این‌رو همه کتاب‌های کتاب مقدس در متی نیز به هم می‌رسند و در آن پایان می‌یابند. متی، به‌عنوان سیمای شیر سیط یهودا، دوازده نبوت متمایز مسیحایی را معرفی می‌کند، و آن دوازده بخش، نشانه‌های راه تاریخ میلریت‌ها و یکصد و چهل و چهار هزار تن را پدید می‌آورند. چنان‌که کتاب مکاشفه با مکاشفه عیسی مسیح آغاز می‌شود، فصل اول متی نیز مکاشفه‌ای از عیسی مسیح ارائه می‌دارد که با زندگی و شهادت موسی، با تاریخ ضد‌مسیح، پیوند می‌یابد، در حالی که سه عنصر کلیسای ظافر را، آن‌گونه که در نبی، کاهن، و پادشاه نمود یافته‌اند، معرفی می‌کند.

متی با مکاشفه عیسی مسیح در چارچوب عهد خدا با قومی برگزیده آغاز می‌شود. از ابراهیم تا داود چهارده نسل بود، از داود تا اسارت در بابل چهارده نسل، و از بابل تا مسیح نیز چهارده نسل دیگر. نسب‌نامه مسیح در متی با موسی هم‌سو است، زیرا موسی آلفای مسیح، اومگا، است. زندگی صد و بیست‌ساله موسی با صد و بیست سال زمان آزمایشی در تاریخ نوح مطابقت دارد. بنابراین، عهد نوح با عهد قومی برگزیده مرتبط است. صد و بیست سال موسی نمایانگر سه دوره چهل‌ساله است که با کشتن مصری به‌دست موسی در پایان چهل سال نخست، و با کشته شدن نخست‌زادگان، فرعون و سپاهش در پایان دوره دوم چهل‌ساله، به انجام رسید. دوره دوم چهل‌ساله با شورش در قادش پایان یافت و دوره سوم چهل‌ساله با دومین شورش قادش به پایان رسید. هر سه خط نبوی آلفا در قادش پایان می‌یابند و سه خط نبوی نسب‌نامه متی در داود، اسارت در بابل، و رسول عهد به پایان می‌رسند.

زمانی که آلفای موسی با اُمگای مسیح هم‌راستا می‌گردد، شش شاهد قادش پدید می‌آید، که عبارت است از 1863 و قانون یکشنبه. نسب‌نامه متی، داود پادشاه را در قادش قرار می‌دهد؛ همان‌جا که آدونتیسم مرتد به بابل برده می‌شود، در حالی که مسیح عهد را با صد و چهل و چهار هزار استوار می‌سازد. با قرار دادن داود در قانون یکشنبه، شاهد دومی برای داود برقرار می‌شود، و داود یکی از سه نماینده بشری است که خدمت خویش را در سی‌سالگی آغاز کردند. مسیح، داود، یوسف و حزقیال، همگی کار خود را در سن سی‌سالگی آغاز کردند. این چهار سی‌ساله که خدمت را آغاز کردند، با هم نمایانگر ترکیب الوهیت با بشریت‌اند، آنگاه که کلیسای مجاهد به کلیسای ظفرمند تبدیل می‌شود. آن کلیسا از یک نبی، یک کاهن و یک پادشاه تشکیل شده است. این دگرگونی در قانون یکشنبه نشان‌گذاری می‌شود، که همان قادش نیز هست؛ از این‌رو، داود در نسب‌نامه متی با داود سی‌ساله هم‌راستا می‌شود.

سی سال آمادگی با چهارصد و سی سال عهد ابراهیم هم‌راستا است، و نیز با سنّ یک کاهن و ۱۲۹۰ سال دانیال ۱۲:۱۱. در مقاله بعدی، هر یک از آن دوازده نبوت مسیحایی را در کتاب متی بررسی خواهیم کرد. ما ابتدا سه خط نبوی را در متی مشخص می‌کنیم: فصل‌های یک تا ده، سپس فصل‌های یازده تا بیست‌ودو، و آنگاه فصل‌های بیست‌وسه تا بیست‌وهشت.

«تا مدتی پس از ناکامی سال ۱۸۴۴، من نیز، هم‌عقیده با جماعت آدونت، بر این باور بودم که در رحمت در آن هنگام برای همیشه بر جهان بسته شده است. این موضع پیش از آن اتخاذ شده بود که نخستین رؤیا به من داده شود. این نوری که خدا به من عطا فرمود، خطای ما را اصلاح کرد و ما را قادر ساخت تا جایگاه حقیقی را ببینیم.»

«من هنوز به نظریه در بسته ایمان دارم، اما نه به آن معنایی که ما در آغاز این اصطلاح را به کار می‌بردیم یا مخالفانم آن را به کار می‌برند.»

در روزگار نوح دری بسته وجود داشت. در آن زمان، روح خدا از نسل گناهکاری که در آب‌های طوفان هلاک شد، بازداشته شد. خود خدا پیام در بسته را به نوح داد: «روح من تا ابد با انسان مجادله نخواهد کرد، زیرا او نیز جسم است؛ لیکن ایام او صد و بیست سال خواهد بود» (پیدایش ۶:۳).

«در ایام ابراهیم، دری بسته بود. رحمت دیگر برای ساکنان سدوم شفاعت نمی‌کرد، و همگان جز لوط و همسرش و دو دخترش، به آتشی که از آسمان فرستاده شد، هلاک شدند.»

«در روزگار مسیح، دری بسته وجود داشت. پسر خدا به یهودیان بی‌ایمان آن نسل اعلام کرد: "اینک خانه شما برایتان ویران و گذاشته می‌شود" (متی ۲۳:۳۸).»

«با نگرستن در امتداد جریان زمان به ایام آخر، همان قدرت نامتناهی از طریق یوحنا اعلام کرد: "این‌ها را آن که قدوس است، آن که حق است، آن که کلید داوود را دارد، آن که می‌گشاید و هیچ‌کس نمی‌بندد؛ و می‌بندد و هیچ‌کس نمی‌گشاید، می‌گوید" (مکاشفه ۳:۷).»

«به من در رؤیا نشان داده شد، و هنوز نیز بر این باورم، که در سال ۱۸۴۴ دری بسته وجود داشت. همه کسانی که نور پیام‌های فرشته اول و دوم را دیدند و آن نور را رد کردند، در تاریکی واگذاشته شدند. و آنان که آن را پذیرفتند و روح‌القدس را که همراه اعلام آن پیام از آسمان بود دریافت کردند، و سپس ایمان خود را انکار نمودند و تجربه خویش را فریب پنداشتند، بدین‌سان روح خدا را رد کردند، و او دیگر با ایشان التماس نمی‌کرد.»

«آنانی که نور را ندیده بودند، گناه رد کردن آن را نداشتند. تنها آن گروهی بودند که نور آسمان را خوار شمرده بودند و روح خدا نمی‌توانست به ایشان دست یابد. و این گروه، چنان‌که بیان کرده‌ام، هم کسانی را دربر می‌گرفت که هنگامی که پیام به ایشان عرضه شد، از پذیرفتن آن سر باز زدند، و نیز کسانی را که، پس از آنکه آن را پذیرفته بودند، بعداً از ایمان خود دست کشیدند. اینان ممکن بود صورتی از دینداری داشته باشند و ادعا کنند که پیروان مسیح‌اند؛ اما چون هیچ پیوند زنده‌ای با خدا نداشتند، به اسارت فریب‌های شیطان گرفتار می‌شدند. این دو گروه در رؤیا نشان داده شده‌اند—کسانی که نوری را که از آن پیروی کرده بودند، فریب پنداشتند، و شیران جهان که، چون نور را رد کرده بودند، از سوی خدا نیز مردود شده بودند. هیچ اشاره‌ای به کسانی نشده است که نور را ندیده بودند و بنابراین در رد کردن آن گناهکار نبودند.» Selected Messages, book 1, 62, 63

«این کسانی هستند که به واسطه ایمان، در کار عظیم کفّاره از عیسی پیروی می‌کنند و از مزایای شفاعت او به نفع خویش بهره‌مند می‌شوند؛ حال آنکه آنان که نوری را که این خدمت را آشکار

می‌سازد رد می‌کنند، از آن هیچ بهره‌ای نمی‌یابند. یهودیانی که نوری را که در نخستین ظهور مسیح داده شد رد کردند و نخواستند به او به‌عنوان نجات‌دهنده جهان ایمان آورند، نمی‌توانستند از طریق او آمرزش را دریافت کنند. هنگامی که عیسی در عروج خود، به واسطه خون خویش، به قدس آسمانی داخل شد تا بر شاگردانش برکات شفاعت خود را فرو ریزد، یهودیان در تاریکی کامل واگذاشته شدند تا قربانی‌ها و هدایای بی‌هوده خود را ادامه دهند. خدمت نمونه‌ها و سایه‌ها پایان یافته بود. آن دری که انسان‌ها پیش‌تر از طریق آن به خدا دسترسی می‌یافتند، دیگر گشوده نبود. یهودیان نپذیرفته بودند که او را از تنها راهی بجویند که در آن زمان می‌شد او را یافت، یعنی از طریق خدمت در قدس آسمانی. از این‌رو، هیچ مشارکتی با خدا نیافتند. برای ایشان آن در بسته بود. آنان هیچ شناختی از مسیح نداشتند به‌عنوان قربانی حقیقی و تنها میانجی در حضور خدا؛ از این‌رو نمی‌توانستند از مزایای شفاعت او بهره‌مند شوند.»

حالت یهودیان بی‌ایمان، حالت بی‌مبالاتان و بی‌ایمانان را در میان مسیحیان معترف به ایمان مجسم می‌سازد؛ آنان که از کار کاهن اعظم رحیم ما به‌عمد غافل‌اند. در خدمت تمثیلی، هنگامی که کاهن اعظم به قدس‌الاقداص داخل می‌شد، از تمامی اسرائیل خواسته می‌شد که در پیرامون قدس گرد آیند و با نهایت وقار، جان‌های خویش را در حضور خدا فروتن سازند، تا آمرزش گناهان خود را بیابند و از جماعت منقطع نگردند. پس در این یوم کفاره ضد تمثیلی، تا چه اندازه ضروری‌تر است که ما کار کاهن اعظم خود را درک کنیم و بدانیم چه وظایفی از ما خواسته شده است.

«انسان‌ها نمی‌توانند بدون مکافات، هشدار را که خدا از روی رحمت برای آنان می‌فرستد، رد کنند. در روزگار نوح، پیامی از آسمان برای جهان فرستاده شد، و نجات ایشان به نحوه برخوردشان با آن پیام بستگی داشت. چون هشدار را رد کردند، روح خدا از آن نسل گناهکار برگرفته شد، و آنان در آب‌های طوفان هلاک شدند. در زمان ابراهیم، رحمت دیگر برای ساکنان گناهکار سدوم شفاعت نکرد، و همگی جز لوط با همسرش و دو دخترش، به وسیله آتشی که از آسمان فرود آمد، نابود شدند. در ایام مسیح نیز چنین بود. پسر خدا به یهودیان بی‌ایمان آن نسل اعلام کرد: «اینک خانه شما برای شما ویران گذاشته می‌شود.» متی 23:38. همان قدرت نامتناهی، با نظر به ایام آخر، درباره کسانی که «محبت راستی را نپذیرفتند تا نجات یابند»، چنین اعلام می‌دارد: «و از این جهت خدا ایشان را به عمل گمراهی خواهد فرستاد تا دروغ را باور کنند؛ تا بر همه آنان که به راستی ایمان نیاوردند بلکه از ناراستی لذت بردند، حکم محکومیت جاری شود.» 2 تسالونیکیان 2:10-12. چون تعالیم کلام او را رد می‌کنند، خدا روح خود را از ایشان باز می‌گیرد و آنان را به فریب‌هایی که دوست می‌دارند، وا می‌گذارد.» — نبرد عظیم، 430، 431.